



ناتوانیهای یادگیری

پدیدآورده (ها) : دهقان، یاور

علوم تربیتی :: رشد معلم :: اردیبهشت 1366 - شماره 39

از 18 تا 20

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/246366>

دانلود شده توسط : عمومی user2314

تاریخ دانلود : 19/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



ناتوانیهای

یادگیری

یاور دهقان

و سعی می‌کند خواندن و نوشتن بیاموزد. چنین کودکی به علت داشتن هوش طبیعی، وقتی وظایف درسی را مشکل می‌یابد و پیشرفتهای همکلاسان خود را می‌بیند، احساس پریشانی و سردرگمی می‌کند. اگر معلم و مدرسه او را طرد کنند و یا کودن بنامند، باعث می‌شوند که او از مدرسه بترسد و دست به رفتارهای پرخاشگرانه بزند و در نهایت از مدرسه گریزان گردد. علایم شناسایی این کودکان به شرح زیر است:

۱ - ضعف در حس شنوایی و رابطه آن با حافظه، به طوری که گنجینه لغت او در حد کودکان همسن و سالش نیست.

۲ - ضعیف بودن حافظه شنیداری^۲ کلمات یا صداها در داخل کلمات.

۳ - استفاده نادرست از حروف در کلمات، مثلاً به جای کلمه بشقاب می‌گویند بقشاپ. و یا معکوس کردن هجاها یا حروف در خواندن و نوشتن و گفتار، مثلاً در نوشتن، بابا را به این صورت می‌نویسند: اباب. و یا جا به کردن ارقام که مثلاً به جای رقم ۲۱۴ می‌نویسند ۴۱۲.

۴ - ضعیف بودن حافظه برای بازسازی واحدهای مربوط به اندازه‌گیری مثلاً نگهداری این مطلب که متر از سانتی‌متر بیشتر است و...

نظریه پردازان معتقد هستند که این ناتوانی‌ها کودکان از ناراحتیهایی در سیستم اعصاب مرکزی مغز رنج می‌برند. ناتوانی‌های یادگیری کودکان، مشکل بزرگی در سطح دنیا ایجاد کرده است و در حدود ۵ تا ۲۰ درصد کودکان سالم با این مشکل مواجه هستند. تأثیر این ناتوانیها بسته به نوع آموزش از چندین ماه تا تمام طول عمر کودک ادامه خواهد داشت. اگر در مورد آن اقدامی به عمل نیاید، تأثیرش از بیماریهای جسمی چون سرماخوردگی و غیره بیشتر خواهد بود. کودکی که دارای ناتوانی یادگیری باشد، اغلب در مدرسه احق، تنبل و کودن نامیده می‌شود، ولی وقتی از او تست هوش می‌گیرند، مشخص می‌شود که دچار عقب‌ماندگی ذهنی نیست. معمولاً والدین تا پیش از مدرسه رفتن این کودکان، با علائمی مانند دیر صحبت کردن تا اندازه‌ای دست و پا چلفتی بودن و زیاد شلوغ کردن آنها، متوجه این اشکال خواهند شد. مشکل واقعی از زمانی شروع می‌شود که کودک به کلاس اول می‌رود

ناتوانی یادگیری، شکل خاصی از یادگیری است که با عقب‌ماندگی تفاوت دارد. بسیاری از کودکان فقط در فراگیری یک درس خاص، ناتوان هستند، در حالی که کودک عقب‌مانده ذهنی، در تمام موارد و جنبه‌های عقب‌تر از سن خودش است. کودک مبتلا به ناتوانی یادگیری با وجود توانایی ذهنی کافی، در چگونگی استفاده از حواس پنجگانه و عکس‌العمل‌های عاطفی، در زمینه فهمیدن، تجزیه و تحلیل نمودن و بیان، نقایص خاصی دارد. این نقایص را می‌توان با آموزشهای ویژه برطرف کرد، ولی اگر مسئولان و معلمان به‌درستی متوجه این ناتوانی نشوند و برای رفع آن به موقع اقدام نکنند، ممکن است کودک از یادگیری مایوس و ناامید گردد و یا به عنوان یک دانش‌آموز عقب‌مانده شناخته شود. عده‌ای از



- ۵ - عدم توانایی پیگیری مطالب چه در شنیدن و چه در دیدن، به عبارت دیگر منحرف شدن رشته افکار.
- ۶ - ضعیف بودن تثبیت برتری^۲ طرفی، چپ دستی و یا راست دستی.
- ۷ - دست و پاچلفتی بودن و ضعف در کنترل حرکات دست.
- ۸ - به کاربردن کلمات و حروف به صورت ناقص که مثلاً به جای کلمه «گوش» می‌گوید: «اوش» یا «اوت».
- ۹ - زیاده‌فعالی و حواس‌پرتی.

فقدان توانایی به دنبال ضایعه مغزی و یا نشانه نقص رشدی در بهره‌گیری از آموزش خواندن باشد. کودکی که نسبت به میزان آموزش و سن خود در خواندن ناتوانی دارد، نمونه چنین فردی است. جا به جاسازی و معکوس کردن حروف، مثالهای زنده‌ای از این اشکال هستند.

اختلال در نوشتن - این اشکال یا ممکن است ناشی از فقدان حافظه حرکات مورد استفاده در نوشتن باشد و یا امکان دارد به علت فقدان حافظه الگوسازی و فرمول‌سازی باشد. فرد می‌تواند حروف را شکل دهد، اما نمی‌داند چگونه بنویسد. برای کاهش این حالت، استفاده از گچ و تخته سیاه، تقلید از حرکات گچ در روی تخته و کپی کردن حروف،

بدون آن که اعضای حسی کودک اشکالی داشته باشند، در ارتباط راههای حسی^۱ دچار مشکل باشد و این باعث اختلال در شناخت می‌شود. برای مثال کودکی که دچار اختلال در شناخت شنیداری^۵ کلامی است، در تشخیص و درک کلماتی که می‌شنود، ناتوان است، شخص دارای اختلال شناخت بینایی، در تشخیصی که می‌بیند، ناتوان است و شخص دارای اختلال شناخت کلامی بینایی، در تشخیص یا درک کلماتی که می‌بیند، ناتوان است.

اختلال کنشی^۶

کودکی که فلج نیست و یا هیچ اختلال حسی ندارد، اگر توانایی اجرای حرکات هدفدار را نداشته باشد، دچار اختلال کنشی است، این امر ناشی از ضایعات قشر مخ می‌باشد. شخص امکان دارد به علت نقص در کنترل حرکت اندامهای گفتاری و یا به علت فراموشی الگوهای حرکتی لازم، برای بیان کلمات اشکال داشته باشد.

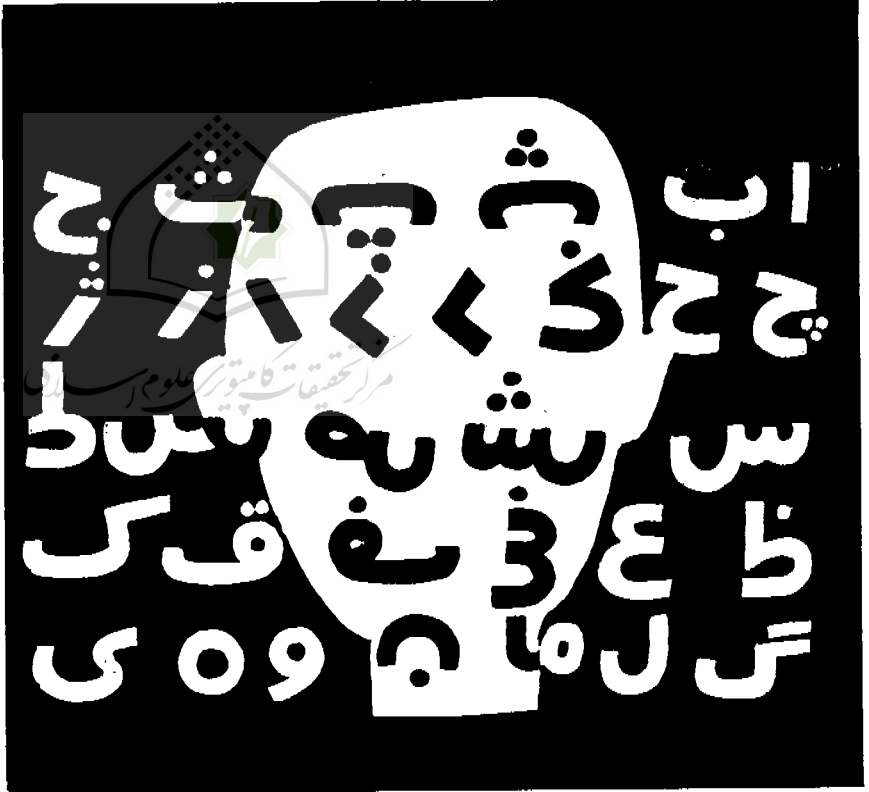
علامت جسمی

روان‌شناسان عموماً به یک سری اشکالات حرکتی، درکی اشاره می‌کنند که باعث فقدان، عملکرد طبیعی از لحاظ درک، دیدن، شنیدن، لمس و از لحاظ حرکتی مثل صحبت کردن، نوشتن و راه رفتن می‌شود.

- ۱ - لرزش خفیف، مخصوصاً در موقع انجام کار.
- ۲ - عکس‌العمل‌هایی خاص که در مقابل تحریکات بوجود می‌آید.
- ۳ - دست و پاچلفتی بودن زیاده ازحد.
- ۴ - نیمه بینایی یا اشکال خفیف بینایی.
- ۵ - اشکال در تصور از بدن.

الف: عدم توانایی در جهت‌یابی و فقدان یا ضعف برتری طرفی.

ب: عدم تشخیص یا نقص ظریف در توانایی جاگذاری انگشت^۷.



انواع ناتوانیهای یادگیری مفید است.

ناتوانیهای یادگیری در انواع مختلف ظاهر می‌شوند که شایعترین آنها به شرح زیر هستند:

اختلال در خواندن - به معنی نقص شدید در توانایی خواندن است که امکان دارد نشانه

اختلال در ریاضیات - این اختلال ناشی از بی‌معنا بودن ارقام و اعداد، یا ناتوانی در انجام اعمال ریاضی است.^۸

اختلال در شناخت - ممکن است

ج: تصور فضایی ناقص^۸.

۶- درک ناقص از شکل، مثلاً در شکلی از تصویر ماهی در زمینه داخل آب، ماهی را تشخیص نمی‌دهد.

۷- تولید گفتاری نارس.

۸- رفتار فعالانه بیش از حد طبیعی همراه با حواس پرتی، قدرت تمرکز ضعیف، زود عصبانی شدن و از کوره در رفتن.

چگونگی برخورد با مشکل ناتوانی یادگیری در کمک به این قبیل کودکان

بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت معتقدند که آموزش باید بر اساس تواناییهای کودک انجام پذیرد. این آموزش باید با محدوده یادگیری کودک و سطح موفقیت او نیز مطابقت داشته باشد. برای ارزیابی، یک سری از تست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که دامنه وسیعی دارند و از رفتارهای سطح عالی و مهارتهای شناخت انتزاعی^۱ تا مهارتهای درکی و لمسی ساده را ارزیابی می‌کنند.

شیوه‌های قابل قبول برای حل مشکل

۱- در دوران پیش از مدرسه باید روی آمادگی رشدی خواندن و نوشتن این کودکان، تاکید خاص شود و بر اساس تفاوت‌های فردی هر کودک، باید آموزش خاصی انجام گیرد.

۲- یادگیری چگونگی آموزش این کودکان برای معلمان ابتدایی و بعضی از معلمان متوسطه ضروری است. به این منظور باید به آنها شیوه‌های آموزشی خاصی را به عنوان بخشی از دوره تحصیلی آموزش عمومی، یاد داد.

۳- برای کار با این کودکان باید تعدادی از معلمین نیمه وقت تعلیم داده شوند و بالاخره کلاس‌های آموزشی خاص تمام وقت برای تعدادی از این کودکان مورد نیاز است.

اصول آموزشی

تقریباً در هر کلاسی، دانش‌آموز مبتلا به

ناتوانی یادگیری به چشم می‌خورد. معلم کلاس می‌تواند با استفاده از اصول خاص در آموزش، با ناتوانی شاگردش مقابله کند. اصول کلی زیر در مورد شاگردان مذکور پذیرفته شده است و برای معلمان مفید خواهد بود.

۱- جلب همکاری دانش‌آموز - البته گفتن این حرف خیلی آسانتر از عمل به آن است و آنچه که اهمیت دارد، شرکت فعال شاگرد در یادگیری است تا یادگیری، تحمیلی و اجباری نباشد.

۷- سعی کنید شاگرد بتواند ارتباط‌های موجود را کشف کند - زمانی باید به دانش‌آموز، تکالیف جدید داد که خودش قادر به کشف ارتباطات و تعمیم‌سازی باشد.

۸- او را در برابر تحریکات زیاد محافظت کنید - چون مقدار زیاد هر چیز خوب، می‌تواند مضر باشد. انگیزش زیاد با عواطف حواس پرت‌کننده‌ای همراه است که از یادگیری مؤثر جلوگیری می‌کند.

● ناتوانی یادگیری، شکل خاصی از یادگیری است که با عقب‌ماندگی تفاوت دارد.

۲- شروع آموزش بر اساس توانایی و استعداد یادگیرنده - برای این کار، معلم باید اول یک تصویر واضحی از رشد مهارت فعلی شاگرد و توانایی او برای کسب مهارت بیشتر، داشته باشد.

۳- مراحل آموزش را کوناهاتر بسازید - به طوری که شاگرد در هر مرحله بتواند پاسخ صحیح بدهد و با استفاده از تغییرات کوچک، به سوی هدف سوق داده شود. یعنی آنها باید قبل از دویدن، قادر به راه رفتن باشند.

۴- پیشرفت‌ها را تشویق و به وسیله پاداش تقویت نمایید - در بسیاری از موارد، تجربه موفقیت، خود نوعی تشویق است، ولی یادگیرنده در همان زمان باید بفهمد که پاسخ صحیح بوده است.

۵- تکالیف و موضوعات یادگیری را معنی‌دار کنید - تحقیقات نشان داده‌اند که موضوعات معنی‌دار، خیلی آسانتر از موضوعات بی‌معنی یادگرفته می‌شوند.

۶- به خاطر آوردن را تسهیل سازید - بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که فراموشی، در وهله اول مربوط به تداخل قسمت‌های مختلف یادگرفته شده است که معلم می‌تواند با فهماندن مشخصات و الگوهای خاص هر قسمت یادگیری، با آن برخورد کند.

نمونه‌هایی برای کمک به کودکان ناتوان در یادگیری خواندن و ریاضیات

در وهله اول - کمک در خواندن

الف - آمادگی

۱- جور کردن تصاویر - این کار سبب تقویت مشاهده و درک نزدیکی می‌شود و تمرینی برای هماهنگی چشم و دست است.

۲- تفسیر و تعبیر تصویر - کودک با درک محتوای تصویر، به چگونگی برقراری ارتباط پی می‌برد.

ب - ابتدایی

۱- استفاده از چارت کلمات - این چارت‌ها در شناخت کلمات متفاوت و متشابه به کودک کمک می‌کنند.

۲- ترکیب کلمه و تصویر - کودک از این طریق، مفهومی را که کلمات منتقل می‌کنند، درمی‌یابد.

۳- تصویر الفبایی - برای یادگیری حروف در نظم الفبایی، هجا کردن کلمات ساده و تشخیص اشیاء استفاده می‌شود.